

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(فصل): « فيما يجب الإمساك عنه في الصوم من المفطرات و هي امور: الاول و الثاني: الاكل و الشرب من غير فرق في المأكول و المشروب بين المعتاد كالخبز و الماء و نحوهما و غيره كالتراب و الحصى و عصارة الأشجار و نحوها ، و لا بين الكثير و القليل كعشر حبة الحنطة أو عشر قطرة من الماء أو غيرها من المائعات ، حتى أنه لو بلّ الخياط الخيط بريقة أو غيره ثم رده إلى الفم و ابتلع ما عليه من الرطوبة بطل صومه إلا إذا استهلك ما كان عليه من الرطوبة بريقة على وجه لا يصدق عليه الرطوبة الخارجية ، وكذا لو استاك و أخرج المسواك من فمه و كان عليه رطوبة ثم رده إلى الفم فإنه لو ابتلع ما عليه بطل صومه إلا مع الاستهلاك على الوجه المذكور ، و كذا يبطل بابتلاع ما يخرج من بقايا الطعام من بين أسنانه . » با توفيق پروردگار متعال فصل اول کتاب صوم را تمام کردیم و حالا وارد فصل دوم می شویم که مربوط به مفطرات صوم یعنی چیزهایی که صوم را باطل می کند می باشد ، فصل اول مربوط به نیت بود و نیت به قدری اهمیت دارد که یک فصل از فصول صوم را مسئله نیت با کیفیتهای مختلف به خود اختصاص داده است ، اما فصل دوم : « فيما يجب الامساك عنه في الصوم من المفطرات و هي امور: الاول و الثاني: الأكل و الشرب .» در بحث اكل و شرب باید به سه مطلب توجه داشته باشیم اول اینکه معنی اكل و شرب چیست؟ آیا اكل و شربی که مبطل صوم است خوردن و آشامیدن از طریق متعارف است یعنی خوردن و آشامیدنی که از راه دهان باشد و از راه حلق چیزی وارد معده انسان شود که این طریق متعارف می باشد ، حالا اگر کسی از راه

بینی چیزی را به حلقش وارد کرد و از آنجا به معده اش آیا این مبطل روزه می باشد یا نه؟ بله مبطل می باشد چون که منظور از اكل و شرب این است که انسان چیزی را از معده خودش وارد حلق کند مثلاً اگر انسان خمر را از راه بینی شرب کند کار حرامی کرده و یا مثلاً چیز متنجسی را از راه بینی وارد حلقش کند ، بنابراین اكل و شرب انحصار در این ندارد که از طریق متعارف و معمول باشد بلکه اگر از طریق غیر متعارف هم باشد (مثلاً از راه بینی) باز مبطل صوم می باشد .

دومین مطلبی که در بحث اكل و شرب باید به آن توجه داشته باشیم این است که آیا مراد ، خوردنی و آشامیدنی متعارف است یا اینکه هر چیزیکه بخورد و بیاشامد؟ چون ما چیزهایی داریم که مأكول و مشروب و متعارف است مثل آب و نان اما اگر روزه دار چیزهایی که خوردنش متعارف نیست مثل خاک را بخورد آیا باز هم روزه آن باطل است؟ در جواب می گوئیم بله چون که میزان این است که اكل و شرب صورت نگیرد و خداوند متعال هم در آیه ۱۸۷ از سوره بقره می فرماید : « كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر و أتموا الصيام إلى الليل » بخورید و بیاشامید تا فجر و دیگر بیان نشده که چه چیزی را بخورید یعنی خواه متعارف باشد یا یک چیز غیر متعارف باشد ، پس فرقی نمی کند و هر دو (متعارف و غیر متعارف) روزه را باطل می کنند.

مطلب سومی که در بحث اكل و شرب باید به آن توجه داشته باشیم این است که در خوردن و آشامیدن فرقی بین قلیل و کثیر نیست به قول صاحب عروة كعشر حبة الحنطة یعنی حتی اگر به اندازه یک دهم حبه گندم هم باشد مبطل صوم می باشد . دو موضوع را صاحب عروة در اینجا ذکر می کند اول اینکه خیاط اگر نخ را با دهانش تر کرده و بعداً همان نخ را که تر کرده به دهانش برگرداند چون که مقداری از آن رطوبت که به نخ بود با آب دهان مخلوط می شود و پایین می رود روزه اش باطل می شود ، دوم اینکه اگر صائم مسواک را داخل دهانش کرد و بعد که مسواک را از دهانش بیرون آورد در حالی که مقداری از رطوبت دهان به مسواک باقی است دوباره آن را به دهانش برگرداند و

شود و از دهان به حلق و از حلق به معده برسد مبطل صوم می باشد هر چند که بسیار کم باشد ، خلاصه بنده در اینجا حاشیه داشتیم که عرض کردم . این مطالبی که ما تا به حالا عرض کردیم رؤس مطالب بود و دلایل آنها را إن شاء الله فردا عرض می کنیم.

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً وصلى الله على
محمد وآله الطاهرين

پایین برود روزه اش باطل می شود بنابراین فرقی نیست در اینکه چیزی که انسان می خورد قلیل باشد یا کثیر ، این سه مطلبی بود که در بحث اکل و شرب وجود داشت که بیان کردیم.
در مطلب سومی که صاحب عروة در بحث اکل و شرب بیان کردند دو مطلب را مطرح کردند و بعد فرمودند : « إِنْ إِذَا استهلك » یعنی در آن سوزن و نخ اگر آن نخ را که رطوبت داشت دوباره به دهانش برگرداند و رطوبت نخ با آب دهانش مخلوط شد و مستهلک شد روزه را باطل نمی کند ، مستهلک شود یعنی به قدری رطوبت آن نخ کم است و آب دهان زیاد است که عرفاً می گویند این شخص آب دهانش را خورد و نمی گویند که یک صدم یا یک هزارم آب دهان رطوبت ناشی از نخ مرطوب بود که از دهان خارج شده بود و دوباره به دهان برگشته بود ، خلاصه ایشان استهلاک را در اینجا کارساز می داند و بعد درباره مسواک هم ایشان همین حرف را می زند و می گوید که اگر مسواک را از دهانش در آورد و در حالی که به آب دهان آلوده بود دوباره به دهانش برگرداند و مسواک را ادامه داد آن رطوبت قلیلی که از خارج به دهان وارد شد چون در آب دهان مستهلک است اشکالی ندارد .

بنده در اینجا بر عروة حاشیه دارم و در بین محشین فقط آیت الله گلپایگانی حاشیه دارد و از کسی دیگری حاشیه ای ندیدم ، بنده در اینجا گفته ام که استهلاک کارایی ندارد چونکه بالاخره در آب دهان و لو یک صدم یا یک هزارم رطوبتی وجود دارد که از خارج وارد دهان شده است ، شاید بگوئید که این آب همان آب دهان است و صدق آب خارج را نمی کند یعنی چون ۹۹ درصد آب دهان است فلذا آن یک درصد ضرری به صدق آب دهان بودن نمی رساند ، اما ما می گوئیم که معیار چیست؟ آیا معیار صدق آب دهان بودن است یا اینکه معیار آن است که چیزی از خارج از راه حلق نباید به معده داخل شود؟ ممکن است که عرف مسامحه کند ولی اگر از عرف سؤال کنیم و بگوئیم که دقت کنید اگر آب دهان به ۱۰۰ قسمت تقسیم شود یک صدم آن بالاخره آبی است که از خارج آمده است و شما نباید آب خارج را به معده خودتان داخل کنید و هر چیزی که از خارج وارد دهان